



بهترین راه برای کسب معرفت الهی، شناخت صفات الهی است

شناخت حضوری یا حصولی کنه ذات حق تعالی، برای انسان ممکن نیست و از آنجا که تعطیل کردن شناخت خداوند متعال از منظر عقل و شرع جایز نیست؛ پس بهترین راه برای کسب معرفت الهی، شناخت صفات الهی است.

شناخت حضوری یا حصولی کنه ذات حق تعالی، برای انسان ممکن نیست و از آنجا که تعطیل کردن شناخت خداوند متعال از منظر عقل و شرع جایز نیست؛ پس بهترین راه برای کسب معرفت الهی، شناخت صفات الهی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر خلاصه ای از گفتار پنجم کتاب کلام نوین اسلامی اثر حجت الاسلام خسروپناه است که از نظر می گذرد.

صفات الهی

شناخت حضوری یا حصولی کنه ذات حق تعالی، برای انسان ممکن نیست و از آنجا که تعطیل کردن شناخت خداوند متعال از منظر عقل و شرع جایز نیست؛ پس بهترین راه برای کسب معرفت الهی، شناخت صفات الهی است، به شرطی که گرفتار تشبیه گرایی نشویم و خدای سبحان را به انسان تشبیه ننماییم. خداوند متعال در آیه ۱۸۰ سوره اعراف صفات و اسمای حسنی را برای خود ثابت کرده و مردم را به خواندن آن ها دعوت می کند؛ «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذرو الذین یلحدون فی اسمائه».

چیستی صفات الهی

صفات الهی به لحاظ چیستی و دسته بندی دربردارنده ی مطالبی است که به شرح ذیل بیان می گردد:

اول) صفات الهی، عبارت است از مفاهیم کمالیه ای که عین ذات حق تعالی هستند و تنها تمایز مفهومی با یکدیگر و ذات دارند.

دوم (متکلمان اسلامی، صفات الهی را به:

۱. ذاتی ؛ مانند علم و قدرت،
۲. و فعلی ؛ مانند خالقیت و رازقیت تقسیم کرده اند.

و در تقسیم بندی دیگری به دو دسته:

۱. صفات ثبوتیه یا جمالیه، مانند علم و قدرت.
۲. و صفات جلالیه یا سلبیه مانند جهل و عجز، تقسیم کرده اند.

سوم) متکلمان اسلامی، دسته ای دیگر از صفات الهی مانند علو، وجه و ید را صفات خبریه نامیده اند: «صفات خبریه یعنی صفاتی که خداوند در آیات از آنها خبر داده است.»

نظریات راجع به صفات خبریه

۱. گروه مجسمه و مشبهه که صفات خبریه را با معانی و کیفیت انسانی به خداوند نسبت داده اند.
۲. اشاعره، این صفات را با معانی متبادر به ذهن و عرفی بر حق تعالی حمل می کنند اما برای فرار از تشبیه گرایی می گویند ان لله سبحانه و تعالی وجهها و یدا بلا تشبیه و لا تکلیف.
۳. گروه دیگری از اشاعره، ضمن انتساب این صفات به حق تعالی، معنای این صفات را به خداوند تفویض و واگذار نمودند؛ بدین معنا که انسان ها از درک معانی صفات خبریه عاجزند .

۴. معتزله نظریه تاویل را مطرح ساخته و صفات خبریه را به معانی خلاف معانی ظاهری حمل نمودند، برای نمونه کلمه "ید" را به معنای "نعمت و قدرت" به تاویل برده اند.

و اما نظر علمای (اصول فقه) شیعه این است که دلالت الفاظ بر معانی بر دو قسم اند:

اول) دلالت تصویری؛ که عبارت است از انتقال ذهن انسان به معنای لفظ، به مجرد صدور لفظ از شخص تلفظ کننده است. در تحقق این دلالت، اراده متکلم شرط نیست.

دوم) دلالت تصدیقی؛ که بر مراد متکلم دلالت دارد که به مراد استعمالیه و مراد جدیه منشعب می شود. استعمال یعنی به کار بردن لفظ در معنا؛ حال اگر معنای لفظ، موضوع له لفظ باشد استعمال حقیقی است و اگر غیر موضوع له باشد استعمال مجازی است.

در هر استعمالی سه جزء لفظ، معنا و مراد وجود دارد. بنابراین حقیقت استعمال عبارت از ایجاد ارتباط بین لفظ و مراد متکلم است در حالیکه حقیقت وضع، عبارت از ایجاد ارتباط بین لفظ و معنا است.

بنابراین در مثال «ید» این کلمه با «دست و قدرت» ارتباط وضعی پیدا کرده است و لفظ ید مشترک لفظی بوده که دارای دو معنای حقیقی است و متکلم در مقام استعمال ممکن است یکی از دو معنا را اراده کند. پس برای کشف مراد متکلم، باید به نوع ترکیب و قرائن لفظی و عقلی دقت شود.

چهارم) صفات مشترک میان خالق تعالی و مخلوق:

برخی از متکلمان مسلمان صفات مشترکه میان خدا و انسان را مشترک لفظی دانسته اند. علمای منطق اسلامی این نوع صفات را مشترک معنوی متواطی و مشکک تفسیر کرده اند.

مشترک معنوی متواطی عبارت است از مفهوم کلی که به یکسان بر مصداق هایش حمل می شود مانند: حمل انسان بر افرادش.

مشترک معنوی مشکک، عبارت است از مفهوم کلی که بر افرادش به صورت شدت و ضعف حمل می گردد؛ مانند: حمل مفهوم نور بر مصداقش که صورت شدت و ضعف است. صفات علم و قدرت نیز می توانند مشترک معنوی مشکک باشند و با وجود معنای یکسان از شدت و ضعف مصداقی برخوردار باشند. علم الهی، نامحدود، واجب الوجود و عین ذات حق تعالی؛ و علم انسان، محدود و ممکن الوجود خواهد بود.

پنجم) اثبات صفات کمالیه

برای اثبات صفات کمالیه می توان از دو طریق استفاده کرد:

الف) از طریق اثبات واجب الوجود بودن حق تعالی

حق تعالی واجب الوجود بالذات است.

واجب الوجود بالذات، واجب الوجود من جمیع الجهات است.

پس حق تعالی باید دارای همه کمالات وجودیه باشد در غیر این صورت عدم بردار و ممکن الوجود است.

ب) کمالات ممکنات

مخلوقات الهی دارای صفات کمالی اند.

بر اساس اصل سنخیت علت و معلول، علت حقیقی صفات کمالیه معلول را به نحو کاملتر داراست.

پس خداوند به طور کاملتری دارای صفات کمالیه است.

ششم) نامحدود بودن صفات الهی

برهان:

خداوند وجود نامحدود دارد. (پس بی نیاز مطلق است)
صفات خداوند عین ذات نامحدود او است.
پس صفات خداوند، نامحدودند.